

گاندی رهبر استقلال هند یک جمله جالبی دارد که مناسب بحث ما است. او می‌گوید: «نگذار خانه ام از چهار طرف با دیوارها محصور شود. بگذار تمام پنجره‌ها باز باشند بگذار تمام بادها و فرهنگها درون خانه بوزند. اما نگذار این بادها مرا از پای درآورند».

ایشان در این جمله مرز بین استقلال فرهنگی و وابستگی فرهنگی و تهاجم فرهنگی را روشن کرده‌اند. هر توسعه

ای مستلزم تغییرات است و فرایند توسعه بدون تغییرات عمیق در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی محقق نخواهد شد. توسعه فرهنگی یکی از ابعاد توسعه است. توسعه باید ریشه در هویت دینی و تاریخی یک ملت داشته باشد. توسعه فرهنگی از درون هر جامعه ای تولید می‌شود و نمی‌تواند از خارج کسب شود.

طبق نظر مقام معظم رهبری و سخن گاندی استقلال فرهنگی لزوماً به معنای بستن پنجره‌ها و مرزهای فرهنگی نیست. تأثیر و تأثر فرهنگهای بشری، امری طبیعی اما وابستگی فرهنگی مقوله دیگری است. فرایند توسعه فرهنگی محصول ساز و کارهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی است که به تدریج شکل می‌گیرد و تغییر می‌یابد و در کوتاه مدت قابل تغییر نیست. جامعه ایران از یک

پشتوانه فرهنگ ایرانی - اسلامی بسیار قوی برخوردار است. رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند ما ملت بزرگی هستیم ملت ما دارای قدرت فراوان، استعداد علمی و سابقه تاریخی و ریشه‌های فرهنگی و بالاتر از همه فرهنگ ایرانی - اسلامی و توکل به خداست.

کشور ما در دوره‌های مختلف مورد تهاجم فرهنگهای بیگانه قرار

گرفته و آسیبهای زیادی در این زمینه دیده است. بازگشت به هویت ایرانی و اسلامی می‌تواند در بلند مدت آسیبهای وارده را ترمیم کند. مدیریت جامعه اگر در دفع اینها نکوشد آسیبهای جدی تری گریبانگیر جامعه خواهد شد. توسعه فرهنگی در جامعه ایران و تحول آن مستلزم تحقق اهدافی از قبیل تغییر بنیادی در ساختار، تشکیل مدیریت فرهنگی، تدوین قوانین و مقررات مدیریت و

توسعه فرهنگی در ایران چالش‌ها و راهکارها

دکتر محمدعلی تصدیقی، دکتر فروغ تصدیقی

مکيه مقاله

دکتر محمد علی
تصدیقی دارای
دکترای مدیریت

تصدیقی

آموزشی از دانشگاه تهران و عضو
هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
می‌باشد.

یا به عرصه وجود گذاشت. فرهنگ ما یک فرهنگ استبدادی بوده تا اینکه بعد از انقلاب نسیم آزادی در ایران اسلامی وزیدن گرفت و از آن به بعد ما بهتر توانستیم در یک محیط باز، امور فرهنگی را به پیش ببریم. فقدان برنامه‌ریزی یکی دیگر از مشکلات است. شاید برنامه‌ریزی نتواند دست نیافتنی را دست یافتنی کند اما فقدان آن می‌تواند دست یافتنی‌ها را دست نیافتنی کند. بنابراین برنامه‌ریزی در امور فرهنگی اهمیت زیادی دارد. ژاین توسعه را بعد از جنگ جهانی دوم با برنامه‌ریزیهای بلند مدت شروع کرد و بیشترین نقش را به آموزش و پرورش داد و در برنامه‌های درسی با افزایش ساعات درسی تاریخ، ادبیات و فرهنگ ژاین در ساختار جامعه تحول اساسی به وجود آورد. هدف این بود که کودکان ژاینی بعد از جنگ دوباره بتوانند ژاین را بسازند تا استعمار دیگر مجال قدرت نمایی در این کشور نداشته باشد. توسعه امروز ژاین در زمینه‌های مختلف محصول چنین برنامه‌ریزیهای بلند مدت ژاینی‌هاست. عدم اعتماد به نفس و روحیه تقلیل‌گرایی، دوری از تفکر و کم فکر کردن، کم کاری و تنبلی یکی دیگر از چالشهاست. اغلب افراد در کشورهای جهان سوم غیر فعال هستند.

یک ژاینی به یکی از همکاران ایرانی خودش در یکی از شرکتهای صنعتی ایرانی گفته بود من در این یک سال که ایران بودم فهمیدم شما ایرانیها به تعطیلات فکر می‌کنید و ما به کار، این یک نکته بسیار مهم و یک چالش فرهنگی است.

همانطور که گفتیم چالشهای فرهنگی توسعه فرهنگی در ایران عمدتاً ریشه فرهنگی دارند و در ساختار قوانین و مدیریت سازمانها و رفتارهای ما ریشه دوانده‌اند. برطرف کردن چالشها نیاز به برنامه‌ریزیها کوتاه مدت و بلند مدت دارد.

توسعه فرهنگی نیازمند قبول و جذب افراد جامعه از یکسو و آموزش مستمر آنها از سوی دیگر است. با برنامه‌ریزی فرهنگی می‌توان مشکل فرهنگی کشور را رفع کرد.

برنامه‌ریزی، اجرای مدیریت مشارکت در امور فرهنگی و تغییر و تحول بنیادی در نگرش مردم نسبت به مسائل است.

بر اساس تحقیقات علوم تربیتی، با آموزش منظم می‌توانیم سه نوع تغییر را در حیطه‌های شناختی، عاطفی، روانی و رفتاری از لحاظ دانش، نگرش و باورها در جامعه ایجاد کنیم. جامعه ایران در زمینه توسعه فرهنگی با چالشهایی همچون بی ثباتی مدیریت، بروکراسی، فقدان مدیریت مشارکتی، فقدان آزادی، فقدان برنامه‌ریزی، عدم اعتماد به نفس، پرهیز از تفکر و کم فکر کردن، کم کاری و تنبلی، فقدان نظم و انضباط در امور، روحیه تک روی، عدم انگیزه پیشرفت، عدم حساسیت به وقت و زمان و بها ندادن به آموزش و یادگیری روبه‌رو است. این چالشها ریشه فرهنگی و

تاریخی دارند که در طول زمان به وجود آمده‌اند و در کوتاه مدت ما نمی‌توانیم آنها را بین ببریم. در کشورهای پیشرفته، به هنگام تغییرات سیاسی، فقط مدیران سیاسی تغییر می‌کنند و مدیران حرفه‌ای از ثبات برخوردارند. ولی در کشور ما علاوه بر مدیران سیاسی، مدیران حرفه‌ای و تخصصی بر اثر

تغییرات سیاسی تغییر می‌یابند. این موجب می‌شود که مدیران نتوانند برنامه‌ریزیهای خودشان به ویژه برنامه‌ریزیهای دراز مدت را به انجام برسانند در امور فرهنگی می‌توانیم با مشارکت، امور را بهتر پیش ببریم. چون مدیریت مشارکتی میزان برخوردها و تعرضات را کاهش می‌دهد. چالش بعدی فقدان آزادی است.

تاریخ کشور ما همواره بر محور استبداد، خودکامگی فرهنگی، گروهی، قبیله‌ای و حزبی اداره شده و این مهمترین چالش توسعه فرهنگی محسوب می‌شود. در نیم قرن اخیر نوعی دموکراسی

بر اساس تحقیقات
علوم تربیتی
با آموزش منظم می‌توانیم
سه نوع تغییر را
در حیطه‌های شناختی
عاطفی، روانی و
رفتاری از لحاظ دانش،
نگرش و باورها
در جامعه
ایجاد کنیم